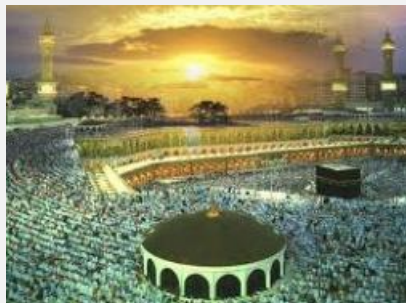


نکات 7 گانه آیه الله جوادی آملی برای حجاج

آیت الله جوادی آملی از مراجع تقلید پیامی برای حجاج بیت الله الحرام در هفت فراز صادر کرد.



آیت الله جوادی آملی از مراجع تقلید پیامی برای حجاج بیت الله الحرام در هفت فراز صادر کرد. آیت الله عبدالله جوادی آملی از مراجع تقلید قم به مناسبت ایام مناسک حج تمتع 1390 پیامی برای حجاج بیت الله الحرام صادر کرد.

این پیام در پایگاه اطلاع رسانی علوم و حیان اسراء منتشر شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ إِيَّاهُ تَسْتَعِين

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ...[1]

حمد ازلی خدای سبحان را سزااست؛ تحیت ابدی، پیامبران الهی، مخصوصاً حضرت ختمی نبوت (صلی الله علیه و آله و سلم) را رواست و درود بیکران، دوده طاها و اسره یاسین به ویژه حضرت ختمی امامت، مهدی موجود موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بجاست؛ به این ذوات قدسی تویی داریم و از معاندان لدود آنان تبری می نماییم! سلام خدا بر حاجیان و معتمران که ضیوف رحمان اند و درود الهی بر زائران قبله و مطاف که مهمانان صاحب کعبه اند! اکنون که ندای حضرت خلیل خدا و دعوت حبیب او را لبیک گفتید، شایسته است به اصولی عنایت فرمایید که به برخی از آنها طیّ چند تذکر اشاره می شود:

یکم.

* روزه دار مثل فرشته شود

ثمره ضیافت صائمان ماه مبارک رمضان، تشبّه به فرشتگان منزه از اکل و شرب و میرای از لوازم است [2] و میوه مهمانی طائفان و عاکفان حرم وحی، تخلّق به اخلاق ملائکه خواهد بود؛ آری در مائدة صوم و در مأدبة حج و عمره، چیزی جز نزاهت از فرود فرومایگی طبیعت و سعادت رسیدن به فراز فراطبیعت نخواهد بود.

هبوط ملائکه، بدون اذن میزبان کوی وحی نیست: وَمَا نَنْتَزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ [3] و مهبط آنان دلهای پویندگان و پایداران استوار دینی است: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا [4].

برخی از مهمانان می کوشند تا صحنه قلب را از زیور دنیا زدگی پاک کنند، تا فرشته عقل و عدل درآید و بعضی از آنان می جوشند تا با نزول ملک جمال و جلال، منظر دل، مفتوح العنوه شده و دیو را آواره نمایند. به هر تقدیر، نغمه گروهی، «؛ دیو چو بیرون رود فرشته در آید» [5] است و آهنگ عده ای، «؛ دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند» [6] می باشد که لَهُمْ دَرَجَاتٌ [7].

دوم.

عنصر محوری جریان حج و عمره، تنبّه تامّ به توحید و نبوّت و معاد و تصویر عملی از این اصول سه گانه، همراه با عدل و امامت است و تمام اعمال واجب و مستحب این سفر چهارم از اسفار اربعه، از خلق به خلق با حق است، یعنی در صحابت فیض خاص پروردگار، آغاز و انجام این سیر ملکوتی صورت می پذیرد.

* ابراهیم امام همه نوع بشر

مآثر وحی و نبوّت را می توان در آثار حضرت خلیل خدا (علیه السلام) و حضرت حبیب پروردگار (صلی الله علیه و آله و سلم) مشاهده نمود. ابراهیم خلیل (علیه السلام) به عنوان امام مردم، بدون اختصاص به عصر و مصری معرفی می شود: إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا [8] چنین رهبر جهانی، خانه خدا را به اذن او بنا نمود تا معبد همگان و همیشگی باشد؛ تعبیرهای هماهنگ قرآن کریم:

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ: [9] وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ... [10]
 إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ [11] وَفِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ [12]

شاهد صدق اثر خالد و مانای (مانندی) آن امام همام جهانی است. جامعه اسلامی، گذشته از افتخار امت آن رهبر بودن، از فضیلت فرزند معنوی آن پدر روحانی بودن نیز برخوردار است:

مِلَّةُ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا. [13] ائتسای امت به امام و تأسی فرزندان به پدر، مایه عقل محوری و خردمندی آنان خواهد بود، زیرا پیروان مکتب آن حضرت، فقیه و دانا و گریزان از آن، سفیه و نادانند:

وَمَنْ يُرْعَبْ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ [14] تَمَسَّكَ بِهٖ مَنَاسِكُ اِبْرَاهِيْمِي، برابر رهنمود اسلام محمدی، نشان بهره‌وری از عقلی است که «#عُبِدَ بِهٖ الرَّحْمٰنِ وَاکْتُسِبَ بِهٖ الْجَنَانُ». [15]

سوم.

معرفت‌شناسی، کفی دارد که از آن به شناخت حس و تجربه حسّی یاد می‌شود و سقّی دارد که از آن به شناخت شهودی و تجربه تجربیدی و حضوری یاد می‌شود. همان طوری که شناخت حسّی گاهی اندک است و زمانی فراوان است، شناخت شهودی نیز گاهی با کاهش و زمانی با افزایش همراه است. آنچه نصیب امام امت حج و عمره یعنی حضرت خلیل خدا شد، شناخت شهودی فراگیر بود که صدر و ساق نظام کیهانی را در برداشت:

وَكَذٰلِكَ نُرِيْ اِبْرٰهِيْمَ مَلَكُوْتِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلِيَكُوْنَ مِنَ الْمُوقِنِيْنَ [16] زیرا رؤیت و دیدن، غیر از نظر و نگاه است، چه اینکه ملکوت غیر از مُلک است؛ بهره دیگران، نگاه به مُلک است و حظّ حضرت خلیل (علیه السلام) دیدن ملکوت بوده است. پیروان آن حضرت به نظر در ملکوت آسمانها و زمین دعوت شده‌اند، به امید آنکه به رؤیت ختم شود:

أَوْ لَمْ يَنْظُرُوْا فِیْ مَلَكُوْتِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ.... [17] دیدن ملکوت جهان، همراه با شهود دست نامرئی خداوند است که ملکوت هر چیزی در دست اوست:

فَسُبْحَانَ الَّذِیْ یَبْدِیْهِ مَلَكُوْتُ كُلِّ شَیْءٍ وَّإِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ. [18] معرفت ملکوت، شناخت صائبی است که از عمل صالح جدا نیست و اولین ثمر سودمند چنین شهودی، پرهیز از دوستی هر آفل فائل است:

قَالَ لَا أَحِبُّ الْآفِلِيْنَ. [19] دنیا با همه زرق و برق کاذب خویش، متاعی است آفل که دوستی آن، رأس هر خطای فکری و خطیئه عملی است: «#حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ». [20]

چهارم.

هر چند حضرت ابراهیم (علیه السلام) نیل به امامت را برای ذریّه خود درخواست کرد و خداوند اجابت حتمی آن دعا را نسبت به غیر ظالم تضمین فرمود، لیکن فرزندان صالح آن امام (علیه السلام) می‌توانند سهم اندکی از امامت پرهیزکاران را تجربه کنند و نیایش وَاجِعْتُمَا لِلْمُتَّقِيْنَ إِمَامًا [21] درباره اینان مستجاب گردد، چه اینکه سایر درخواست‌های آن حضرت (علیه السلام) درباره ذریّه خود مانند رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ [22] می‌تواند درباره فرزندان معنوی آن حضرت، به مقدار استحقاق و استعداد آنها مستجاب گردد. نشان استجاب دعای آن حضرت درباره خواص از امت و ابنای مخصوص وی را می‌توان از آیه

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ [23] استظهار کرد، چه اینکه علامت آن را نیز می‌شود از آیه

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ [24] استنباط نمود، زیرا تولی موحّدان عادل و تبرّی از ملحدان ظالم، از برجسته‌ترین برنامه‌های حضرت ابراهیم (علیه السلام) بود که رهپویان خردمحور، مجربان آن دستور بوده و هستند و به اندازه پیروی از آن حضرت، از نعمت اصطفای برخوردار و از موهبت خلّت نیز بهره‌مند خواهند شد، زیرا اقتدا به کسی که از خلعت خلیلی، متنعم است:

وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا [25] و از جایزه صفوت، طرفی بسته است: وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ [26]

پنجم.

بنیان‌گذار کعبه که سرسلسله انبیای ابراهیمی است، تذکره معاد را همراه یادآوری مبدأ، در نهان نورانی خود نهادینه کرده بود و همراه در سَره بودن و خالص ماندن و بی دُردی صاف شدن آن موهبت الهی، سعی بلیغ داشتند و همه این فضایل را می‌توان از آیات

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ * وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ [27] فهمید؛ یعنی خداوند، جایزه خالص و غیر مشوبی به آنان (حضرت ابراهیم و...) عطا نمود و آن یاد خانه آخرت است، چه اینکه یادآوری خالصانه آنها نسبت به آخرت، سبب شد تا خداوند آنان را از مخلصان خود قرار دهد.

در فرهنگ قرآن، دار و خانه اصلی انسان، آخرت است که در آنجا می‌آرمد و از آن به دارُ القرار [28] یاد می‌شود و دنیا دار ممرّ و مکان عبور است. حاجیان و معتمران، دعوت کسی را لبیک می‌گویند که هم خالصانه به یاد آخرت بود و هم در اثر چنین خلوصی، از مخلصان الهی به حساب آمد، بنابراین پیام مهمّ حجّ و عمره، تشخیص صحیح ممرّ از مقرّ و تمییز درست مَعبر از مسکن و مأواست، تا همانند حضرت ابراهیم، از سلام پروردگار، بهره‌وری حاصل آید: سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ * كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ [29] و سلام الهی، دلمایه سلامت را در بردارد و چنین سرمایه‌ای، پایه نجات آخرت است: إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ [30]

ششم.

فراخوانی ابراهیمی (علیه السلام) که با دعوت محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) تتمیم یافت، مسئولیت زائران بیت عتیق را خطیر کرده است. خدای سبحان گاهی با برشماری اوصاف کعبه و زمانی با تبیین صفات برجسته معماران آن و زمانی با گزارش اوصاف داعیان آن، برنامه عبادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اهل حج و عمره را مشخص فرمود. عنصر محوری امور انسان را اندیشه صائب و انگیزه صحیح تشکیل می‌دهد تا با یکی حقیقت دیده شود و با دیگری به حق عمل شود؛ حقیقت‌نگر، بینا و حق‌جو، کوشا و تواناست. تعبیر قرآن حکیم از حضرت خلیل و فرزندان وی به اُولی الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ [31] می‌تواند ناظر به دو جهت علمی و عملی این ذوات قدسی باشد، البته در این مطلب سامی، سرفرازی و برازندگی ممتاز، از آن معمار بیت طاهر است.

آنچه از برشماری کرائم نفسانی بنیان‌گذار کعبه و فراخوان زائران از هر فجّ عمیق، به عنوان دارای دست و چشم استنباط می‌شود، این است که ره‌توشه حاجیان و معتمران در آغاز سفر، معرفت‌شناسی درست و جهت‌گیری معتبر بوده و سوغات و زادراه برگشت، تکمیل آن دو خصیصه و تتمیم آن دو اصل مهم است. امت نابینا و جامعه مغلول‌الید، توان طواف خانه‌ای که توسط معمار بصیر و مبسوط‌الید بنا شد را ندارد، زیرا در مدار خانه‌ای گشتن، در حالی که اثری از بانی آن ندیدن و نیافتن، مصداق گفتار نغز و پرمغز مولای موحدان جهان و ولیّ بلامنازع همگان، حضرت امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) است که فرمود:

171«: أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) إِلَى الْآخِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ بِأَخْبَارٍ لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ وَلَا تُبْصِرُ وَلَا تَسْمَعُ فُجِعَلَهَا بَيْتُهُ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلَهُ لِلنَّاسِ قِيَامًا...» [32] آنچه مایه قیام و پایه ایستادگی است، آگاهی کامل و اقتدار لازم است تا صراط مستقیم عقل و عدل، فهمیده و با گام‌های استوار، پیموده شود، تا نتیجه زیارت کعبه، «: اُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ» شدن باشد.

هفتم.

روزی که حضرت خلیل خدا متولد شد، خاورمیانه مبتلا به الحاد و شرک بود؛ گروهی آغاز و انجام جهان را فاقد مبدأ و مقصدی می‌پنداشتند و ملحدانه، مرگ را پوسیدن و پایان حیات انسان می‌دانستند و عده‌ای مشرکانه، صتم و وثن را تقدیس می‌نمودند و در نتیجه، این منطقه، از نعمت توحید محروم بود، هر چند از خاور و باختر دور نیز گزارش توحیدی در دست نیست.

حضرت ابراهیم (علیه السلام) با عنایت ویژه الهی به ملکوت نظام کیهانی راه یافت و بینش صحیح توحیدی پیدا کرد و در صدد نشر معارف آن برآمد و بدون هیچ آزر می با آزر به مناظره مبادرت نمود و از تحدید و تهدید وی نه‌راسید و روش مشنوم او و همفکران وی را [فک و پیروی شیطان شمرد، [33] همچنین با طاغیان بت‌پرست یا بت‌شده عصر منحنط جاهلی خود به احتجاج پرداخت و پیروزمندانه همه آن صحنه‌ها را پشت‌سر گذاشت و برای نجات توده محروم و روشن نمودن زوایای تاریک آن روز، دستی از آستین اُولی الْأَيْدِي [34] به در آورد و با گرفتن تبر، اندام منحوس اصنام بتکده را مجذوذ نمود: فُجِعَلَهُمْ جَذَا [35] و با در هم‌شکستن ارباب پنداری صنمی‌ها به محکمه جلب شد و محققانه، ساحت محاکمه را به نفع توحید پایان بخشید و غائله را غیر مختوم یافت و جریان تلخ حَرْقُهُ وَانْصَرُوا إِلَيْهِمْ [36] را در پیش داشت و هنگام فرود در امواج سهمگین آتش، نه از فلک کمک خواست و نه از ملک مدد

طلبید، بلکه پیشنهاد فرشته خاص را بی‌جواب گذاشت و با پاسخ #171;حسبی من سؤالی علمه بحالی»، [37] چنان وارد آتش شد که ندای یا نازِ گونی بَرَدَا وَسَلَامًا عَلٰی اِبْرَاهِیمِ، [38] مایه خنکی از یک سو و سلامت از سوی دیگر شد.

سرانجام،

انبیای ابراهیمی و به پیروی آنان، عالمان ربّانی، عهده‌دار نشر برکات توحیدی شدند و همه این حقایق و معارف، به وسیله حضرت ختمی‌نبوت و دوده طاها و اُسره یاسین(علیهم السلام) احیا و تکمیل و تتمیم شد، به طوری که گر نبودی کوشش احمد تو هم می‌پرستیدی چو اجدادت صنم [39]

هان ای حاجیان و معتمران حرم وحی و هان ای عاکفان و طائفان بیت عتیق و هان ای مهمانان مائده رحمت حق! امت اسلامی از یک سو و جامعه جهان غرب از سوی دیگر، بیداری همراه با اسلام‌خواهی خاورمیانه و عدل اقتصادی طلبی دیار غرب را تجربه می‌کنند؛ بر همگان به ویژه عالمان دینی لازم است عصارة علوم حضرت خلیل و حبیب خدا که به وسیله اهل بیت عصمت و طهارت در صحابت قرآن مجید صادر شد را کاملاً عرضه نمایند و با ارائه مکتوباتی که مورد سوگند الهی است: ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ، [40] رسالت خویش را ایفا کنند و اسرار حکمت‌آموز و ستم‌سوز احرام را تشریح نمایند و پیام حیات‌بخش حرم نبوی و بقیع امامان معصوم(علیهم السلام) و اولیای وابسته به اهل بیت پیامبر(علیهم السلام) را به خوبی به منتظران ابلاغ کنند و برکت وحدت و عظمت برائت از مشرکان و ملحدان و هم‌پیمانان آنها را بیان نمایند.

توفیق همگان و قبولی حج و عمره و زیارت و استجابت ادعیه، مسئلت می‌شود!

جوادِ آملی

ذیقعدة 1432 هـ.ق

- [1] . سوره مائده، آیه 97.
- [2] . جواهر الکلام، ج 16، ص 181.
- [3] . سوره مریم، آیه 64.
- [4] . سوره فصلت، آیه 30.
- [5] . دیوان حافظ، غزل 232.
- [6] . دیوان حافظ، غزل 193.
- [7] . سوره انفال، آیه 4.
- [8] . سوره بقره، آیه 124.
- [9] . سوره حج، آیه 26.
- [10] . سوره بقره، آیه 127.
- [11] . سوره آل عمران، آیه 96.
- [12] . سوره آل عمران، آیه 97.
- [13] . سوره حج، آیه 78.
- [14] . سوره بقره، آیه 130.
- [15] . الکافی، ج 1، ص 11.
- [16] . سوره انعام، آیه 75.
- [17] . سوره اعراف، آیه 185.
- [18] . سوره یس، آیه 83.
- [19] . سوره انعام، آیه 76.
- [20] . الکافی، ج 2، ص 131 و 317.
- [21] . سوره فرقان، آیه 74.
- [22] . سوره ابراهیم، آیه 37.
- [23] . سوره آل عمران، آیه 68.
- [24] . سوره ممتحنه، آیه 4.
- [25] . سوره نساء، آیه 125.
- [26] . سوره بقره، آیه 130.
- [27] . سوره ص، آیات 46 و 47.

- [28] .سوره غافر, آیه 39.
- [29] .سوره صافات, آیات 109 و 110.
- [30] .سوره شعراء, آیه 89.
- [31] .سوره ص, آیه 45.
- [32] .نهج البلاغه, خطبه 192.
- [33] .ر.ک: سوره صافات, آیه 86.
- [34] .سوره ص, آیه 45.
- [35] .سوره انبیاء, آیه 58.
- [36] .سوره انبیاء, آیه 68.
- [37] .بحار الأنوار, ج 68, ص 156.
- [38] .سوره انبیاء, آیه 69.
- [39] .مثنوی مولوی, دفتر دوم, بخش 10.
- [40] .سوره قلم, آیه 1.